## کوچولو موچولو

● شکوه قاسم‌نیا

خرگوشه گفت: مامان،
مامان... یک هویج پیدا کردم
کوچولو موچولو، قهوه ای
رنگ، اسمش هم بادامه.

## الاغ

● علیرضا متولی

الاغه داشت بار می‌بُرد، یک دفعه زد
زیر خنده.
گفتند: به چی می خندی؟
گفت: به این که چه قدر خرم!

## خانه تکانی

● طاهره خردور

درخت خودش را تکان می‌داد،
برگ‌هایش می‌ریخت.
گفتند: چرا این جوری می‌کنی؟
گفت: دارم خانه تکانی می‌کنم.

## بادکنک

● محمد رضا شمس

بچّه قورباغه گفت: بابا، من بادکُنک
می‌خواهم!
بابا قورباغه، زیر گلویش را باد کرد و
گفت: بیا جانم، این هم بادکُنک!

## بگوباد

● مجید راستی

باد به گیره گفت: بگو باد!
گیره، تا دهانش را باز کرد، لباس افتاد.
باد خندید.